

حاتم بخشی های دولتمداران مان را محکوم کنیم

گزارشها و تبصره های اخیر توسط رسانه های کشور حاکی از آن بودند که تعداد زیادی از وزرا، مشاوران و خدمتگزاران حامد کرزی رییس جمهور پیشین (خدمتگاران ملت)، با آنکه دیگر کار و مشغولیت رسمی نداشته در خانه های شان نشسته اند، متأسفانه هنوز هم معاش ماهیانه دوهزار و پنجصد تا چهارهزار دالرامریکایی از جیب ملت فقیر و ناتوان افغانستان بدست می آورند. این درحالیست که در همین روزهای پسین، یک معلم کشور در ولایت بلخ، روی ناچاری و بینوایی اقتصادی، دلبند یکماهه اش را در بدل بیست و پنجهزار افغانی، یعنی کمتر از پنجصد دالرامریکایی بفروش رسانید تا با استفاده از پول فروش فرزندش، خودش و فرزندان دیگرش زنده بمانند.

گفته شد که حامد کرزی، قبل از آنکه کرسی ریاست جمهوری را ترک کند، با فیصله های نا منصفانه و صدور فرامین متعدد، حاتم بخشی های عجیب و غریبی انجام داده است. این حاتم بخشی های کرزی آنقدر بیدردانه و خلاف تمام موازین حقوقی و قانونی بود که نظیر و نمونه آن را کمتر میتوان در جهان سراغ نمود. مثلاً، از یکطرف وزیر مالیة وی (زاخیلوال) با صراحت و بگونه رسمی اعلام میدارد که خزانه دولت ته کشیده و حتا قادر نیست معاش کارمندان دولتی را بپردازد، مگر رییس جمهور چین پوش قانون شکن، دست از بندل و بخشایش جنون آمیز خویش برنمیدارد.

این تنها نبود. مردم افغانستان شاهد بودند که این حاتم بخشی های کرزی حتا شامل حال تروریستهای قسی القلب طالبی که قانوناً محکوم به حبس بودند، نیز گردید و بهمین وسیله، صدها تن آنها از زندان ها رها شدند و با همان طرز تفکر آدمکشانه تروریستی مجدداً به صفوف تفنگداران عقده مند خویش پیوستند و به کشتار بیگناهان سرزمین ما ادامه دادند. چنانکه تعداد زیادی از کارمندان و فرماندهان ملکی و نظامی در ولایات کشور، این موضوع را رسماً تأیید کردند.

این عمل نا روا، البته یکی از میراث های شوم دوران زعامت کرزی است که به عنوان بدترین کردار او بجاماند. البته رفع و ازاله آن در صورتی ممکن است که اشرف غنی رییس جمهور کنونی کشور و همکاران نزدیک وی، با درک زشتی این فیصله ها و این فرمان ها

اقدام دلیرانه و میهندوستانه بعمل آورند. و یا رسانه ها، روشنفکران، جامعه مدنی و اقشار آگاه وطن، با پیگیری افشاگرانه و مبارزه مدنی اصلاح گرانه شان، اشرف غنی را مجبور به ابطال این میراث شوم سازند.

یکی دیگر از فیصله های غیرمنطقی و غیرقانونی که از سوی اشرف غنی، این یار دیرین کرزی صورت گرفت، این بود که حامد کرزی علی الرغم آنهمه بی دردی ها و قانون شکنی ها و اقدامات شرم آور سیزده ساله اش، در یکی از کاخ های محوطه ارگ ریاست جمهوری بسر برد، دارای دفتر و دیوان و سکرتری و کارمند و امتیازات مادی فراوان باشد، از کیسه ملت به کشورهای جهان سفر نماید، با رسانه های معتبر جهان مصاحبه ها انجام دهد، مشاور خاص، ارشد و با نفوذ اشرف غنی باشد و هنوز هم در امور کشوری و حتی تقرر و تبدل مامورین عالی رتبه دولتی دخالت ها داشته باشد. این هم تنها نبود. اشرف غنی لطف خاص دیگری نیز بحق رییس جمهور بیکار شده نمود و آن این بود که میدان هوایی بین المللی کابل را بنام وی مسما کرد، بدون آنکه کرزی اندکترین استحقاق و یا لیاقت چنین نام و نشانی را داشته باشد. این اقدام غیرمنطقی و غیر ضروری، در واقع، توهینی بود به آنده از شخصیت های سرفراز، نیکنام، و قهرمانان ملی و محبوب مردم افغانستان که مستحق نامگذاری و بزرگداشت بوده و هستند.

حال، دیده میشود که هر کدام از اراکین بلند رتبه دولت اشرف غنی نیز با اتکا به همین میراث شوم کرزی، برای خودشان ردیفی از به اصطلاح مشاوران مزد بگیر و به اصطلاح سیاهی فالیز را با معاشات بلند و امتیازات وسیع استخدام کرده اند. چنانکه اخیراً افشا گردید، تنها محمد خان معاون اول دکتر عبدالله و رییس سابق شبکه استخبارات حزب اسلامی گلبدین، بیشتر از ده نفر " برادران " حزبی و تنظیمی اش را بعنوان " مشاور " در بخشهای مختلف مقرر کرده است.

هرگاه مجموع مشاوران بیکاره مزد بگیر را که در اطراف شخص رییس جمهور، رییس اجرایی تا معاونان هر دو و همچنان، مشاوران هریک از اعضای کابینه را بشماریم، حتماً تعداد آنها بیشتر از یکصد مشاور با معاشات هنگفت، محافظان مسلح و متعدد خواهد بود که دارای رتق و فتق پرمصرف و اما بیمورد و بیجا چون دانه های آزار دهنده سرطانی در بدنه دولت ناتوان افغانستان حضور خواهند داشت. اکنون این سوال مطرح میشود که آقای باراک اوباما بحیث رییس جمهور بزرگترین و غنی ترین کشور جهان که میخواهد همه دنیا را بعنوان امپراتوری رقیب اداره نماید، چند مشاور خواهد داشت؟

پس، باید پرسید که این آقایان کرسی نشین در افغانستان فقیر، جنگزده، ویران و حیران چه کاری را انجام میدهند که هر کدام آنها دارای ده ها مشاور هستند؟ چرا وجدان بیدار ندارند و فاقد احساس مردمی هستند؟ چرا در برابر ملت فقیر و گرسنه افغانستان احساس شرمندگی نمیکنند؟ چرا از آینده و قضاوت تاریخ نمی هراسند؟

با این شرح مختصر، آیا حق نخواهیم داشت بگوئیم که از سالها قبل، ماهی دولت افغانستان از سرگندیده شده و علاجی هم نداشته و ندارد؟ آیا میشود از این بیدردان و لفاظان سیاسی امید اصلاح و بهبودی داشت؟ قضاوت بدست شما باشد. (پایان)